

انتخابات از دو نگاه

از حسین شاه اویسی
(عضو شورای مرکزی حزب ملت ایران)

"حفظ حقوق مردم بالاترین و عالیترین قانون است"
سیسرون

از انتخابات در کشورهای آزاد جهان بعنوان اهرمی بنیادین در نیل به حاکمیت ملت نام برده می شود و مردمی بودن هر حکومت در گرو چگونگی اجرا و روش گزینش نامزدهای مردم است، بدیگر سخن **اعتبار هر همه پرسی به میزان مشارکت و نقش آزادانه ی مردم در آن سنجیده می شود** ، از نگاه دیگر **اعتبار بین المللی هر نظام نیز به میزان تحقق حاکمیت ملت و نقش مردم در اداره جامعه ارزیابی میشود** .

درست از این زوایاست که از **انتخابات یا همه پرسی در نظامهای پارلمانی بعنوان مهمترین اهرم اراده ی ملت بدور از کردارهای خشن و خشونت آمیز یاد می شود** .

بنیادی ترین ویژگی سامان های مردمسالار را داشتن نمایندگانی آگاه ، کارآمد و کارآزموده که تمامی گروههای اجتماعی و سیاسی جامعه را نمایندگی کنند ، تشکیل می دهد . برپایی چنین مجلس پرتوان، کثرت گرا و پلورال می تواند خواسته های ملت و حقوق ملی را در تمامی میدان های ملی و بین المللی نمایندگی و تضمین کند، چنین پارلمانی از بن پایه ترین شرط های حاکمیت دموکراسی است .

پس در دموکراسی ها، انتخابات یعنی مشارکت مردم در اداره امور کشور و در کشورهای غیر دموکراسی یا مدعی دموکراسی چون باور به مشارکت واقعی مردم نهادینه نشده و مردم تنها بصورت کمیته عددی برای تایید صوری عملکردها و چهره مردمی دادن به رفتارها به میدان آورده میشوند در چنین مجموعه هایی ناچار از **زور** به عنوان **ابزار اداره جامعه** استفاده می شود، در پاره ای کشورها نیز با تمهیداتی در مسیر گزینش مستقیم مردم سد ایجاد کرده و به آن ظاهر قانونی هم داده می شود و انتخابات را از فلسفه وجودی آن تهی و کشور را به کژ راهه می برند ،

این رفتارها باعث می شود، انتخاب کنندگان از انتخاب فرد دلخواهشان محروم شده و مردم مجاز نباشند آزادانه نامزدهای خود را برگزینند ، بلکه از میان چند نفر که **شورای نگهبان** (نهاد نظارتی) پس از **عبور از صافی ها** با آنها موافقت کرده است و غالباً دارای یک اندیشه ویژه و روش خاص در اداره امور جامعه هستند، مجبور به انتخابند . از این گذشته اکثر معرفی شدگان از طیف کسانی هستند که در درازای ربع قرن گذشته ، معمولاً صاحب منصبی از مناصب کلیدی کشور بوده اند و شرایط امروز کشورمان می تواند کارنامه عملکردشان باشد، و پرسشی دیگر که رخ می نماید ، **آیا بین مردم ایران و نخبگان آنها غیر از این عده معدود، کسان دیگری نیستند که حائز شرایط بوده و شایستگی برگزیده شدن را دارا باشند ؟ اگر چنین است بدا به حال سرزمین مان!! ولی طبیعی است که جواب منفی است** .

هستند بسیار که شایستگی و لیاقت مدیریت جامعه را دارا می باشند ، ولی نهادی که مسئول نظارت بر جریان انتخابات است، مانع این امر می شود آنهم با دلایلی که تنها برای خود و در ساختار خود ساخته و تفسیر کرده قابل دفاع است، نه ساختار دموکراسی های جهان ، از اینروست که در جهان متهم میشویم به عدم رعایت حقوق مدنی شهروندان ، در حالیکه **نفس نظارت ضروری است** نه برای هر که خود را نامزد کند بلکه نظارت در مورد کسانی که دارای محکومیتی عادی و جزایی هستند بویژه متجاوزان به دارایی و ثروت های ملی که در دادگستری دارای پرونده هستند نه در مورد کسانی که بخاطر ابراز اندیشه مورد اتهام قرار گرفته اند . از سویی **همفکر نبودن یا در راستای جریان خاصی نیاندیشیدن نمی تواند و نباید دلیلی برای رد نامزدها باشد** بلکه باید مورد استقبال هم قرار گیرند، با اندوه چنین نیست .

شهروندان را دو درجه کردیم "**خودی و غیرخودی**" این اعمال به یگانگی ملی صدمه زده و میزند و مخاطره آمیز است . نتیجه آن اینست که روز به روز دامنه انتخاب شوندگان کم و کمتر شده به تبع آن از تعداد انتخاب کنندگان نیز کاسته می شود ، بطوریکه در تهران ۱۲ میلیونی در انتخابات شورای شهر تنها درصد کمی از حائزین شرایط در انتخابات شرکت جستند و شهردار نیز همینطور ، حال چگونه میتوان با چنین پشتوانه ای در راستای منافع جمع حرکت کند و مدافع منافع جمع باشد ، جز اینکه در بهترین شرایط از منافع انتخاب کنندگان خود حمایت خواهد کرد، و این آغاز مشکل دیگری است، چرا که نیروی حمایت کننده ندارد و برای اجرای افکار خود، چون با بی تفاوتی یا مخالفت های مردم روبرو می شود ، ناچار از کاربرد ابزار زور خواهد شد و اینگونه است که زور بعنوان راه حل نهای مطرح خواهد شد و در ادامه این روش واکنش های بی شماری را بدنبال خواهد داشت که نتیجه آن بی تفاوتی بیشتر و سپس بریدن مردم از کاربدستان است و

پس در جامعه هایی که به رغم ادعای دموکراسی کاربردستانش توجهی به خواست و نیاز ملت ندارند ، پدیده ی ابوزیسیون نیز به رسمیت شناخته نمی شود و در نتیجه در چنین تفکری اساساً مردم و به تبع آن احزاب و گروههای موجود را به دو گروه خودی و غیرخودی بخش کرده، اجازه مشارکت در پست های تصمیم گیری را تنها حق افراد و گروههای خودی می دانند و هیچگونه حقی در این زمینه ها برای غیرخودی ها قائل نیستند، جز رای دادن و تمام قدرت در دستان شماری اندک بصورت گردشی خواهد چرخید و جامعه در راستای دو قطبی شدن سرعت خواهد گرفت و اینست که **حضرت علی (ع)** می فرماید : **" هر جا کاهی دیدم ، در کنارش کوخی بود "** و تازه این شمار اندک از ویژگی های قدرت لایزال و بی حساب جامعه و پاره ای از آنان رانت های سرسام آور به ارمغان خواهند گرفت و در نتیجه، عدالت اجتماعی، امنیت ملی، ثبات سیاسی، توازن معقول اقتصادی، رفع تبعیض های قومی و جنسیتی و آزادیهای فردی و همگانی به زیر سوال می روند .

آرنولد تواین تاریخ نگار مشهور جمله ای نغز و آموزنده دارد : می گوید تاریخ تمدن جهان مراحل زیر را طی کرده است **" از اسارت به ایمان ، از ایمان به شجاعت، از شجاعت به آزادی، از آزادی به فراوانی ، از فراوانی به خودخواهی ، از خودخواهی به بله قربان گویی، از بله قربان گویی به بی تفاوتی، از بی تفاوتی به از دست رفتن استقلال ، از نداشتن استقلال به اسارت "** . تا آنجا که آموخته هایم یاریم می دهد ، از ۲۱ تمدن بزرگ جهان در حدود ۱۹ تمدن در اثر تهدید داخلی رو به اضمحلال رفته اند و بی سروصدا به خاموشی گرائیده اند . تاریخ برای درس گرفتن است که نبود آزادی موجب اسارت خواهد شد و بی هویتی از اسارت آغاز و به اسارت ختم می شود و آغاز جدایی حکومت از ملت خواهد بود . آنگاه که حکومتی بهر وسیله و هر دلیلی خود را از ملت و خواسته هایش جدا کرد، برای حفظ خویش ناگزیر به دامان بیگانه پناه خواهد برد و اسارتش بیشتر می شود .

امروز میهن ما با شرایطی روبروست که حاکی از نابسامانی و ناکارآمدی و ناهماهنگی در بخش های گوناگون و سیاستگزاری ها در اداره امور داخلی و خارجی است .

به باور من در راه برون رفت از معضلات پیش روی، نخستین گام باور راستین و تکیه بر نیروی لایزال ملت، داشتن است تا سرزمین مان ، ملت شریفمان و آینده جوانانمان در جهانی که گرداگردمان متجاوزان در کمیند ، به منبع الهام تمامی رهبران بزرگ که ملتپایشان بود روی آورد، نه با رفتارهای خشن و ممنوعیت ها، نه با ایجاد سد و مانع کردن ها، نه با خشونت ، این دور باید پایان یابد .

جهان بی باتوم و گلوله زیباتر است ، کودکی که با مسلسل بازی کند جهان را نجات نخواهد داد . نجات میهن در عین استقلال طلبی و آزادی خواهی در تفاهم و نزدیکی و مداراست، در توان شنیدن سخن مخالف است، در پیروی از خرد جمعی است. دیربست دیگر آنچه استاد ازل گفت بگو ، مردود است .

برای الهام گرفتن از ملت باید زمینه های گزینش راستین نمایندگان ملت در انتخاباتی سالم فراهم شود . آزادی گفتار و نوشتار برای همه تضمین شود ، زندان سیاسی و عقیدتی نداشته باشیم، هموطنان کوچ کرده به هر دلیل بیدار بیگانه اجازه بازگشت یابند که **شوپنهاور** می گوید **" هر جدایی یکنوع مرگ است و هر ملاقات یکنوع رستاخیز "**. خودی و غیرخودی نباشد ، ملت یکپارچه و حقوق بشر مراعات شود ، در غیر این صورت **مجلس** را نمیتوان **خانه ملت** دانست ، در غیر اینصورت **میزان رای ملت** نیز نخواهد بود و به تبع آن ریاست جمهوری هم برگزیده راستین و آزادانه ملت نیست. پس حاکمیت ملی، استقلال، منافع ملی ، رشد و توسعه، عدالت همگانی و حقوق اقوام، زنان و کودکان در جامعه از دیدگاهی خاص و تنگ نظرانه مدنظر قرار خواهد گرفت .

آیا بدون رعایت حقوق شهروندان بنیان های حاکمیت ملت، سست نخواهد شد؟ آیا نمی توان تصور کرد، اتخاذ تصمیمات جناحی و رفتار "سکتاریستی" کاربردستان ، اصل جمهوریت را بی رنگ و بی رنگ تر می کند ؟ آیا تنها با دادن شعار آزادی می توان به ندای شهیدان پاسخ درست داد که خواستی جز سربلندی میهن و ملت، استقلال و آزادی و عدالت همگانی نداشتند . باید متوجه بود که اگر میزان رای ملت نشد، جامعه زمینه ساز رشد خودکامگی و ظهور خودکامگان می شود و به دوران ملوک الطوایفی و خان خانی رجعت خواهد کرد و از حاکمیت ملی و استقلال جز نامی نخواهد ماند .

آیا نمایندگانی که انتخاب می شوند به راستی اجازه نظارت بر تمامی امور را دارا هستند تا جمهوریت و مردم سالاری معنادار شود (مطابق اصل ۷۹) و یا نمایندگان برای مثال برای اخذ وام یا کمک های بدون عوض داخلی و خارجی که مقدمه وابستگی می تواند باشد نظارت عالی خود را می توانند اعمال کنند؟ آیا به راستی روابط بین المللی و دیپلماسی ما بر پایه منافع ملی و مبتنی بر اصولی است که مجلس موید آن باشد ؟ اگر هست این سیاست های واکنشی و بدون ابتکار عمل، مگر در دشمن تراشی را چگونه و بر اساس کدام منافع ملی تایید کرده اند و اگر مورد تایید آنان نیست چگونه و با چه مجوزی اجرا می شود، هرگز در این زمینه کاربردستان اجرایی را بازخواست کرده اند؟ یا ترفیع مقام گرفته اند ؟ در حالیکه اگر نماینده به پشتنگرمی ملت انتخاب شده باشد در مقابل تمام امور مخالف منافع ملی خواهد ایستاد و مسئولیت خواهد خواست، اما اگر نظارت بر این امور و دیگر موارد تنها روی کاغذ برعهده نمایندگان باشد که یا اهرمهای لازم را در دست نداشته باشند و اگر در دست دارند توان و اجازه استفاده از آنرا ندارند ، چگونه نمایندگانی هستند ؟ چگونه مجلسی؟

اینست اگر به شیوه های گوناگون مجال ورود به برگزیدگان واقعی ملت داده نشود ، مجلس دیگر خانه ملت نیست ، عصاره ملت هم نخواهد بود ، حاصل اینکه بخش انتخابی حاکمیت از توان اعمال قانونی بی بهره می ماند .

امروز پرسش بزرگ اینست آیا تغییری در این روابط ایجاد شده است که باید انتظار موفقیت از منتخب مردم و یا از مجلسی که با این محدودیت ایجاد شده است داشته باشیم ؟ به باور من **اجرای حتی قانونی پرنقص بهتر از بی قانونی است در کشور ، از اینرو تا مردم نتوانند بدور از بند و بست و محدودیتها و اعمال نفوذهای خلاف اراده ملی و بدور از پالایش و تصفیه ، نامزدهای برگزیده ی راستین خود را انتخاب کنند، نه دولت و نه مجلس دارای اختیاری حتی در حد همین قانون هم نخواهند بود ، حتی اگر نماینده واقعی مردم باشند .**

از اینرو مشکل اساسی را نه تنها در نامزدهایی که خود را معرفی کرده اند نباید دید بلکه باتوجه به ظرفیت قانون و اعمال نظرهای فردی و تفسیرهای یک سویه و دخالت های گوناگون مانع انتخاباتی آزاد و مردمی هستند ، از اینرو امکان شرکت مستقیم و نقش داشتن در آن از متقاضیان سلب شده است ، به این دلیل و در نهایت هرگونه سهم گیری در این روش را آبی می دانم که به آسیاب ضد دموکراسی ریخته می شود و سود و صلاح ملت را بدنبال خواهد داشت .

مطالب برشمرده شده گوشه هایی است از موانع انتخابات راستین . امید که به خرد جمعی روی آوریم و یکبار اندیشه کنیم که **مدیران و کاربدستان میهن را تنها در دایره بسته و محدود افرادی که عملکرد آنها طی ۲۵ سال، کشور را به این وضع رسانیده است جستجو نکنیم .** باید به نخبگان راستین گروههای اجتماعی، به شایستگان حزبا، قوما و سندیکاها اجازه سهم گیری و نقش آفرینی بدون محدودیت در تعیین سرنوشت میهن مان داده شود تا بتوانند در اداره امور کشور نقش تاریخی خود را ایفا کنند . این امر ممکن نیست مگر با بهره گیری از شیوه های شناخته شده در جهان ملتهای متمدن، آن هم بدور از هرگونه خشونت با شناخت کامل از فرهنگ و پیشینه ی تاریخی مان و آگاهی از دسیسه های بیگانگان ، زمینه اتحاد همگانی را فراهم آورد در آنصورت نه تنها اجازه دخالت در امور میهن مان را به بیگانگان نخواهیم داد ، همزمان در سایه آزادی زمینه ساز گزینشی که ملت را به مردم سالاری رهنمون شود ، خواهیم شد ، چرا که دل به وعده های بیگانه ندهیم که سرابی بیش نیست و کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من .

شادروان پروانه فروهر روزی گفته بود: **اخلاق و اندیشه جز در هوای آزاد رشد نمی کند و هراس از گناه اگر آزادی را به بند بکشاند، هرگز به معنای آن نیست که گناه از صحنه حیات زدوده شده است، بلکه گناه به پستوها خزیده و گستره وسیعتری می یابد.** حاصل سخن و کلام آخر ، **بدور از هر خشونت ملک و ملت بر باد ده، آزادی راستین در کشور نهادینه شود ، بدور از گزوه و شحنه که تنها راه رهایی دولت، امید ملت و پاس قدرتهای آزمند در آنست و بس .**

حسین شاه اویسی

۱۹ خردادماه ۱۳۸۴ خورشیدی